فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۲، ص ص ۱۰۶– ۷۵

سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه دربارۀ بحران سوریه

دکتر عباس کشاورز شکری[1]
دانشیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسندۀ مسئول)

هاجر صادقیان[2]
دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۱۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۵**

چکیده

دگرگونی‌های سیاسی و وقایع انقلابی که در برخی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شد، به سوریه نیز سرایت کرد. این تغییرات شگرف سیاسی، تحلیلگران سیاست خارجی و روابط بین‌الملل را بر آن داشته تا زمینه‌ها و ابعاد و عوامل گوناگون این دگرگونی‌ها را بررسی کنند. در میان این ناآرامی‌ها، بحران سوریه طولانی بوده و به جنگ داخلی منجر شده است. از همان آغاز اعتراضات در این کشور، رد پای عملکرد دولت‌های مختلف بین‌المللی و منطقه‌ای با اهداف و انگیزه‌های گوناگون دیده می‌شود. سؤال اصلی این مقاله دربارۀ سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه دربارۀ بحران سوریه است. در این راستا، تلاش شده است جنبه‌های مختلف این مواضع، براساس روش تحلیل اسنادی و در چارچوب نظریۀ سیاست خارجی و سیاست‌گذاری بین‌المللی روزنا بررسی شود. یافته‌های مقاله بیانگر این است که دولت جمهوری اسلامی ایران سیاست خارجی خود را باتوجه‌به جهت‌گیری ایدئولوژیکی خاص خود و نیز موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی، به حمایت از استمرار و پایداری دولت اسد و مخالفت با معارضان سوری متمایل کرده است و درمقابل، دولت ترکیه رویکرد خود را درقبال تحولات سوریه، همسو با آمریکا و مجموعۀ غرب تنظیم کرده است و از خواسته‌های معترضان حمایت کرده و خواستار کناره‌گیری دولت سوریه شده است.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، سیاست خارجی، ایران، ترکیه، خاورمیانه.

1. Abbaskeshavarz1@yahoo.com
2. h_sadeghiyan2010@yahoo.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

مقدمه

سوریه در نقطهٔ اتصال سه قارهٔ آسیا و اروپا و آفریقا و در حد فاصل اروپای صنعتی و خاورمیانه واقع شده است. به‌این‌ترتیب، این کشور ازلحاظ ژئوپلیتیکی و استراتژیکی، در منطقه جایگاه بسیار مهمی دارد. اهمیت سوریه برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی عبارت است از: ۱. مرکزیت سوریه به‌لحاظ راهبردی در خاورمیانه؛ ۲. پیوند سوریه با درگیری‌های اعراب و اسرائیل؛ ۳. احساس خطر از وجود حکومت علوی در منطقه که مخالف کمپ غرب است (آجرلو، ۱۳۹۰: ٥٦)؛ ٤. سوریه علاوه‌بر اهمیت راهبردی عمومی به‌دلیل جایگاهش در جبههٔ مقاومت و ارتباط و اتحاد با جمهوری اسلامی، در محاسبات منطقه‌ای و جهانی اهمیت مضاعف دارد (فرزندی، ۱۳۹۱: ٦٢).

در همین راستا و به‌موازات شروع و گسترش بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱، کشورهای مؤثر در منطقه مداخله در اوضاع نابسامان این کشور را شروع کردند. عربستان سعودی و اردن که با مطرح‌کردن قضیهٔ هلال شیعی در منطقه، تلاش می‌کنند از نفوذ ایران در منطقه بکاهند، فرصت را غنیمت شمرده و به یاری نیروهای مخالف بشار اسد پرداختند. این کمک‌ها ازلحاظ نظامی، سیاسی، تبلیغاتی و مالی جنبه‌های مختلف و پیچیده داشته است. هدف آنان نیز ساقط‌کردن حکومت علوی سوریه و قطع‌کردن ارتباط ایران با سوریه و لبنان است. این وضع ممکن است توازن قوا را در منطقهٔ شامات به‌نفع این کشورها و به‌ضرر ایران بر هم زند. ایالات متحده و اروپای غربی نیز در راستای همین سیاست به دفاع همه‌جانبه از نیروهای مخالف بشار اسد پرداخته و تلاش می‌کنند حکومت وی را ساقط کنند.

درمقابل، جمهوری اسلامی ایران که عمق استراتژیک خود را تا لبنان و مرزهای رژیم صهیونیستی امتداد داده است، در تلاش است تا جلو این موضوع را بگیرد و موازنهٔ قدرت منطقه‌ای را به‌نفع خود حفظ کند. جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ تحمیلی و حصول اطمینان از اینکه غربی‌ها درصدد ساقط‌کردن نظام نوپای انقلابی در ایران هستند، تلاش کرد جبههٔ جنگ را از مرزهای ایران و عراق به مرزهای رژیم صهیونیستی منتقل کند. لذا با پایان‌یافتن جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی با افزایش حمایت‌های همه‌جانبهٔ خود از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین، در تقویت و گسترش حزب‌الله در جنوب لبنان و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

حماس در خاک فلسطین نقش مهمی ایفا کرد. متعاقب این تلاش‌ها این دو نیرو (حزب‌الله و حماس) به دو نیروی مؤثر و شکست‌ناپذیر مقاومت اسلامی در منطقه تبدیل شدند.

این موضوع رژیم صهیونیستی و ایالات متحده را دچار وحشت ساخت و آنان تلاش کردند با شکست‌دادن حزب‌الله، عمق استراتژیک ایران را از بین برده و نفوذ ایران را به منطقهٔ خلیج فارس محدود کنند. به‌همین مناسبت، جنگ ۳۳روزهٔ لبنان با هدف ازبین‌بردن حزب‌الله و با آمریت ایالات متحده و توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد؛ اما پس از ۳۳ روز جنگ، رژیم صهیونیستی به جنگ خاتمه داد؛ چراکه توان ازبین‌بردن حزب‌الله را نداشت و به‌این‌ترتیب، اسطورهٔ شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی از بین رفت. پس از آن، رژیم صهیونیستی تصمیم به حمله به حماس را گرفت که آن‌هم پس از ۲۲ روز جنگ به‌جایی نرسد. جنگ اخیر رژیم صهیونیستی در غزه نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود.

با آغاز بحران در سوریه، ایالات متحده و هم‌پیمانانش تصمیم گرفتند با حمایت از مخالفان بشار اسد، ساقط‌شدن رژیم سیاسی سوریه را تسهیل کنند و به‌این‌ترتیب، با ازبین‌رفتن حکومت علوی نزدیک به ایران و روی‌کارآمدن حکومت سنی نزدیک به عربستان و اردن و مصر و قطر، حلقه‌های ارتباطی میان ایران و حزب‌الله قطع شود. به‌همین مناسبت، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به‌همراه عربستان، اردن، قطر و مصر کمک‌های همه‌جانبهٔ خود را به مخالفان اسد آغاز کردند و گسترش دادند.

چین و روسیه نیز به‌عنوان دو قدرت مهم در منطقه مشغول ایفای نقش هستند. در تقسیم‌بندی‌های جهانی، در نظام دوقطبی سابق میان ابرقدرت‌ها، سوریه همواره در اردوگاه چپ و اتحاد شوروی بوده است؛ اما پس از ازبین‌رفتن نظام دوقطبی، روسیه همچنان سوریه را در حوزهٔ نفوذ خود دانسته و لذا شدیداً از این کشور حمایت کرده تا از سقوط حکومت بشار اسد و غلتیدن سوریه به دامان غرب جلوگیری کند. بحران اوکراین به اختلافات بین روسیه و غرب دامن زده و احتمال اختلاف و افتراق بین ۱+۵ را افزایش داده است. چین نیز همراه روسیه است؛ چراکه ساقط‌شدن حکومت سوریه و غلتیدن این کشور به اردوگاه غرب با منافع این کشور قدرتمند ناسازگار است. با فروافتادن سوریه در دامان غرب، منطقهٔ شامات کلاً به‌دست اردوگاه کشورهای غربی و مخالف با کمونیسم می‌افتد و باتوجه‌به اهمیت استراتژیک این منطقه، چنین موضوعی با منافع ملی چین نیز

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

مخالف خواهد بود.

در این میان، مواضع ترکیه نیز در جایگاه قدرتی منطقه‌ای و همسایه و رقیب ایران نیز بسیار مهم است. ازاین‌رو در این مقاله، سیاست خارجی و مواضع دولت‌های ایران و ترکیه، هم از بُعد سیاسی و دیپلماتیک و هم از بعد تبلیغاتی و مالی بررسی خواهد شد. هدف از این مقاله بررسی سیاست خارجی دو دولت ایران و ترکیه و مولفه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار بر آن است تا در سایهٔ تشریح سیاست خارجی دولت‌ها، مواضع و دیدگاه‌های آن‌ها تشریح و تفسیر شود. بنابراین، پس از طرح مفهومی و نظری تحقیق، این هدف در دو گفتار کلی دنبال می‌شود: در گفتار نخست، سیاست خارجی و مواضع دولت ایران بررسی می‌شود و در گفتار دوم، سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه درقبال بحران سوریه. سیاست خارجی هریک از دولت‌ها روشنگر مواضع و عملکرد رفتاری آن‌ها خواهد بود. بدیهی است که شناخت دقیق مواضع دولت‌ها درقبال بحران شکل‌گرفته در سوریه، بدون شناخت پیشینه و کلیتی از روابط این دولت‌ها با کشور سوریه میسر نیست؛ زیرا سرچشمهٔ بسیاری از روابط و مواضع در تاریخچهٔ روابط دولت‌ها یافت می‌شود. بدین‌ترتیب به‌عنوان مقدمه‌ای بر بیان مواضع، به کلیت روابط این دولت‌ها با سوریه اشاره خواهد شد و سپس مواضع آن‌ها و مصادیقی از الگوهای رفتاری آن‌ها آورده می‌شود.

الف. چارچوب نظری

پیش از پرداختن به بحث نظری دربارهٔ سیاست خارجی، لازم است با مفهوم سیاست خارجی آشنا شویم. سیاست خارجی در تعریفی عبارت است از اقدام‌های برون‌مرزی تصمیم‌گیران کشور به‌منظور دستیابی به هدف‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت (رینولدز، ۱۳۸۰: ۸۳). در تعریفی دیگر، سیاست خارجی استراتژی یا رشته‌ای از اعمال ازپیش‌طراحی‌شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی است که مقصود آن دستیابی به اهداف معیّن در چارچوب منافع ملی و محیط بین‌المللی است (علی‌بابایی، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

هالستی در تعریف سیاست خارجی به اقدامات دولت درقبال محیط خارجی و اوضاع داخلی مؤثر بر اقدامات مزبور اشاره می‌کند و سیاست خارجی را دربرگیرندهٔ مقاصد و ارزش‌ها می‌داند (هالستی، ۱۳۷۳: ۳۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

روزنا با عنایت به پیوند بین محیط داخل و خارج، به انواع متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری سیاست خارجی توجه کرده است و پنج دسته از متغیرها را نام می‌برد که عوامل شکل‌دهندهٔ رفتارها در سیاست خارجی است: متغیر ویژگی‌های فردی رهبران، متغیر نقشی، متغیر حکومتی، متغیر اجتماعی و متغیر سیستمی (قاسمی، ١٣٨٦: ٤٤٥). درواقع، جیمز روزنا در تحلیل سیاست خارجی کشورها تلفیقی از رهیافت خرد و کلان را در نظر دارد؛ بنابراین، علاوه‌بر توجه به ویژگی‌های محیط داخلی دولت‌ها، بررسی محیط بین‌الملل را نیز مدنظر داشته است.

سعی وی درجهت دستیابی به مفهوم مناسب برای برقراری ارتباط بین محیط و سیاست خارجی است. بهترین ابزار، مفهوم تغییر است. تغییر نیز باتوجه‌به تغییرات ایجادشده در مقامات و مستخدمان، رهبران حکومتی، نقش‌ها و نیز محیط اندازه‌گیری می‌شود. حال، تغییر در جامعه و محیط آن ممکن است بسیار یا کم باشد و بدین‌ترتیب، وی تغییرات را برحسب میزان آن‌ها به‌صورت زیاد یا کم دسته‌بندی می‌کند. حال، هر دو نوع تغییر ممکن است در داخل یا خارج اتفاق افتد و به‌این‌ترتیب، چهار نوع اساسی از چارچوب محیطی به‌وجود می‌آید که هریک به سیاست خارجی متمایزی شکل می‌دهد.

۱. الگوهای رفتار سیاست خارجی

باتوجه‌به چهار نوع چارچوب محیطی، چهار الگوی متفاوت از رفتار سیاست خارجی تشخیص داده می‌شود که به‌ترتیب، عادی، سرزنده، باتدبیر و متشنج نامیده می‌شود:

۱-۱. الگوی عادی: هر دو صحنهٔ داخلی و خارجی آرام است و کمترین حد پیوند را باهم دارند.

۱-۲. الگوی باتدبیر: به‌سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند به‌صورت دقیقی نحوهٔ کنش دربرابر تغییرات خارجی را بررسی کنند. حداقل بحران وجود دارد.

۱-۳. الگوی سرزنده: برای توصیف رفتار سیاست خارجی در موقعیتی به‌کار می‌رود که تغییر و تحولات داخلی زیاد و تغییرات و تحولات خارجی کم است و بدین‌سبب، درجهٔ بالای تغییر در داخل به تقاضاهایی منجر می‌شود مبنی‌بر اینکه مقام‌های مربوط بایستی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

سریعاً و با توان کافی برای تغییر محیط و سازگارکردن آن با ساختارهای اساسی جامعه عمل کنند.

٤-١. الگوی متشنج: وضعی است که در آن، تغییرات داخلی و خارجی در سطح بالایی قرار دارند و رهبران حکومتی بایستی سریعاً به تقاضاهای داخلی و فشارهای خارجی پاسخ مناسب دهند. این الگو، خود، سرچشمهٔ اولیهٔ تنش در سیستم بین‌المللی است (قاسمی، ١٣٨٩: ٤٤٣تا٤٤٤).

بر این اساس، درصورت برقراری ارتباط بین دو محیط داخل و خارج، این چهار نوع رفتار شکل می‌گیرد که با عنایت به عنصر شدت تغییر در هر دو سطح داخلی و خارجی، می‌توان آن‌ها را به‌شکل زیر نشان داد:

جدول-١ چارچوب محیطی سیاست خارجی

تغییرات داخلی	تغییرات خارجی		
	کم	زیاد	
زیاد	سرزنده	متشنج	
کم	عادی	باتدبیر	

منبع: (قاسمی، ١٣٨٩: ٤٤٣)

به‌طور کلی، سمت‌گیری کشورها در حوزهٔ سیاست خارجی و روابط بین‌المللی محصول محیطی راهبردی است که در درون آن اقدام به کنش راهبردی می‌کنند. محیط مذکور با ویژگی‌های خاص خود، نوع الگوی رفتاری کشورها را مشخص می‌کند. از ویژگی‌های کلی چنین محیطی ثبات راهبردی در درون آن است. مدل سیاست خارجی براساس این فرض شکل می‌گیرد که سمت‌گیری سیاست خارجی کشورها در عرصهٔ روابط بین‌الملل، محصول تعامل دو محیط داخلی و خارجی است.

درواقع، الگوهای رفتاری از متغیرهای مهم در سیستم روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند؛ بنابراین، این سؤال مهم محسوب می‌شود که علل شکل‌گیری الگوهای رفتاری کدام‌اند؟ در سیر شکل‌گیری الگوهای رفتاری، پیوند بین سطوح خرد و کلان از متغیرهای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

مهم و محل توجه است که نحوهٔ تصمیم‌سازی دولت‌ها را تشریح می‌کند.

از پیوند و کنش متقابل بین محیط داخلی و خارجی، نوعی ثبات یا بی‌ثباتی استراتژیک حاصل خواهد شد که در شکل ۱ نشان داده شده است. در این شکل، به‌خوبی نشان داده شده است که وقتی رفتار استراتژیکی ناشی‌از محیط داخلی و خارجی کشورها بی‌ثبات باشد، نوعی الگوی رفتاری وابسته شکل خواهد گرفت. زمانی‌که در محیط داخل و خارج، هم‌زمان ناآرامی وآشوب وجود داشته باشد یا حتی حالت بی‌ثباتی و ناآرامی فقط در محیط داخل وجود داشته باشد، این الگوی رفتاری نقش می‌بندد؛ اما زمانی‌که آرامش نسبی در داخل و خارج به‌طور هم‌زمان یا باثباتی حداقل در محیط داخلی وجود داشته باشد و میزان تغییرات و فشارهای واردشده اندک باشد، ثبات استراتژیک حاصل خواهد شد که نتیجهٔ این استراتژی، سیاست‌گذاری باثبات خواهد بود.

شکل۱- محیط استراتژیک سیاست خارجی

محیط داخلی		محیط خارجی		تعامل دو محیط
بی‌ثبات	⟷	بی‌ثبات	⟵	محیط بی‌ثبات (متشنج)
بی‌ثبات	⟷	باثبات	⟵	محیط بی‌ثبات (سرزنده)
باثبات	⟷	باثبات	⟵	محیط باثبات (عادی)
باثبات	⟷	بی‌ثبات	⟵	محیط باثبات (باتدبیر)

منبع: نگارنده

۲- رفتارهای سیاست خارجی

یکی دیگر از مباحثی که جیمز روزنا در تحلیل سیاست خارجی دولت‌ها بدان توجه می کند، بحث چگونگی انطباق هر کنشگر دولتی در مواجهه با محیط بیرونی و تقاضاهای ناشی‌از آن است. از دیدگاه روزنا، سیاست خارجی فرایندی است که از دو بخش تشکیل می‌شود: یکی ورودی‌هایی است که عامدانه یا غیرعامدانه و به‌شکل تقاضا یا مخالفت یا حمایت محیط بیرونی وارد دستگاه تصمیم‌گیری هر کشور می‌شود. این محیط بیرونی ممکن است جامعهٔ بین‌الملل و نهادهای آن یا جامعهٔ سیاسی خاصی باشد؛ دیگری نیز بروندادها یا همان تصمیمات و جهت‌گیری‌هایی است که دولت درقبال آن دروندادها از خود بروز می‌دهد (Rosenau,1971: 121-122).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

روزنا معتقد است با ورود این دورندادها، سیاست خارجی دولت جنبهٔ واکنشی به خود می‌گیرد که حاکی‌از رفتار خارجی آن در پاسخ به تقاضاهای محیطی است. این رفتار واکنشی ممکن است سازگار یا ناسازگار باشد. ازنظر روزنا، دولت‌ها به‌منظور حفظ و صیانت خود در مقابله با محیط، به اقدامات گوناگون ازجمله اقدامات انطباق‌گرایانه روی می‌آورند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از انطباق رضایتمندانه و انطباق طغیان‌گرایانهٔ دولت‌ها در مواجهه با محیط بین‌المللی. در انطباق رضایتمندانه، واحد تحلیلی چون با خطر داخلی مواجه نیست، رضایتمندانه تن به انطباق می‌دهد و در انطباق طغیان‌گرایانه، ازآنجاکه در واحد تحلیلی تقاضاهای داخلی بر تقاضاهای خارجی تقدم می‌یابند، این واحد اقدامات انطباق طغیان‌گرایانه‌اش را صرف حفظ ساختارهای ضروری نظام می‌کند و چندان نمی‌تواند به انطباق با محیط خود بپردازد (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۰۱تا۱۰۲).

ب. سیاست خارجی و مواضع جمهوری اسلامی ایران درقبال بحران سوریه

۱- عوامل محیطی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

۱-۱. مؤلفه‌ها و عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

یکی از منابع تعیین‌کنندهٔ سیاست خارجی دولت ایران، ویژگی‌ها و خصوصیات جامعه و کشور ایران است؛ به‌گونه‌ای که درک و فهم ماهیت و رفتار سیاست خارجی ایران، مستلزم شناخت خصوصیات ملی جامعهٔ ایران است. منابع ملی سیاست خارجی دولت ایران شامل متغیرهای جغرافیایی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۱).

طرح عوامل و متغیرهای داخلی تعیین‌کننده در سیاست خارجی ایران، در چارچوب محیط عملیاتی، بخشی از عوامل شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی آن را در گسترهٔ بین‌الملل روشن می‌سازد. در این راستا، متغیرهای اصلی مربوط را می‌توان به‌گونهٔ زیر مطرح ساخت:

- ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی؛
- ویژگی‌های اجتماعی ازجمله اسلام، ایدئولوژی، تاریخ، ملی گرایی، ؛
- ویژگی‌های سیستم سیاسی و عامل قدرت؛
- ویژگی‌های اقتصادی و فشارها و محدودیت‌های منابع؛

متغیرهای فوق پدیدآورندهٔ اهداف و منافعی است که کشور باید آن‌ها را در صحنهٔ بین‌المللی پیگیری کند (قاسمی و صالحی، ۱۳۸۷: ۸۵).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

ایران از نظر موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک، ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد دارد که سیاست خارجی آن را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. نخست، ایران کشوری بین‌المللی است که همواره محل توجه کانون‌های قدرت بین‌المللی قرار داشته و در معادلات جهانی نقشی برجسته ایفا می‌کند. دوم، ایران در مرکزیت و محوریت مناطق ژئوپلیتیک متداخلی قرار دارد که به‌واسطهٔ دارابودن موقع راهبردی دریایی و زمینی و تنگه‌ای، از نقش و جایگاه برتری برخوردار است. سوم، ایران از موقعیت ژئواکونومیک راهبردی خاص سود می‌برد که آن را در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی جهان قرار می‌دهد. برآیند این سه ویژگی جغرافیایی، الزام و ایجاب گونه‌ای سیاست خارجی برون‌گرا مبنی‌بر توسعهٔ روابط با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۲۲تا۲۲۵).

خصوصیاتی همچون جامعهٔ در حال گذار، جمعیت جوان، همگونگی نژادی و دینی و فرهنگی، ناهمگونی قومی و زبانی و مذهبی، ساختار طبقاتی، سطح توسعهٔ اجتماعی و ماهیت گروه‌های اجتماعی و جناح‌بندی‌های سیاسی مختلف، ازجمله عوامل و عناصر مهم اجتماعی هستند که مستقیم و غیرمستقیم بر سیاست و رفتار خارجی جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارند و به آن شکل می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۲۳۲).

از منظر سیاسی، شواهد نشان می‌دهند که جهت‌گیری سیاست خارجی ایران، براساس نشانه‌هایی از تجدیدنظرطلبی نسبت به وضع موجود نظام بین‌الملل و سیاست «نه شرقی، نه غربی» سازمان‌دهی شده است. در چنین وضعی، الگوی رفتاری ایران در قالب ایدئولوژیک ترسیم می‌شود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۲)؛ برای مثال مقاومت‌گرایی. به‌طور کلی، می‌توان نشانه‌هایی از رفتار انقلابی و چالش دربرابر قدرت‌های بزرگ و همچنین نقد حکومت‌های محافظه‌کار منطقه‌ای را در رفتار سیاست خارجی ایران مشاهده کرد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۰۸). برمبنای این جهت‌گیری ایدئولوژیکی، تعارض ایران و اسرائیل شکل گرفته است و ایران هیچ‌گاه رژیم صهیونیستی را به‌عنوان دولت به‌رسمیت نشناخته و نپذیرفته است (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲٤۷).

از عوامل اقتصادی بسیار مهمی که به‌صورت مقطعی بر سیاست خارجی ایران تأثیرگذار بوده است، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد: ۱. مسائل و مشکلات اقتصادی ناشی‌از جنگ؛ ۲. نفتبه عنوان حامی اقتصاد و سیاست خارجی ایران؛ ۳. انرژی هسته‌ای. انرژی هسته‌ای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

برای ایران به‌قدری مهم است که ایران به‌خاطر آن جسارت و مقاومت بیشتری درمقابل فشارهای مجامع بین‌المللی از خود نشان می‌دهد و حاضر شده تا برخی تحریم‌های اقتصادی را تحمل کند (صفوی همامی، ۱۳۸۷: ۸۱تا۸۳).

جدول ۲- ویژگی‌های محیطی دولت ایران و تأثیر آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری آنان

	ویژگی‌های جمعیتی	ویژگی‌های جغرافیایی	ویژگی‌های ساختار اجتماعی	ویژگی‌های ساختار سیاسی	ویژگی‌های اقتصادی	نوع حکومت و ایدئولوژی سیاسی
ایران	جوانی جمعیت‌اکثریت شیعه حدود ۶۰میلیون نفر	مساحت ۵۹۱۸۴۶۱ کیلومترمربع ۱۳۷۸ کیلومتر مرز مشترک ویژگی منحصر به فرد ژئوپلیتیکی	ترکیب قومی، زبانی و مذهبی، وحدت اجتماعی در عین کثرت. برخورداری از تجانس مذهبی جایگاه ممتاز طبقهٔ روحانیون	تسلط طبقهٔ روحانی و مذهبی جایگاه قدرتمند جناح‌ها و سیاست‌های جناحی	تک محصولی بودن و وابستگی به نفت و گاز عدم توازن بین بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی	جمهوری اسلامی ایدئولوژی اسلام
نتیجه	محیط داخلی باثبات و تا حدودی با قدرت					

منبع: نگارنده

۲-. مؤلفه‌ها و عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

۱-۲-۱. ساختار سیستمی نظام بین‌المللی

ایران به‌دلیل واقع‌شدن در منطقهٔ استراتژیکی خلیج‌فارس، دائماً تحت فشارهای سیستمیک بین‌المللی و منطقه‌ای قرار دارد. مهم‌ترین فشار سیستمی خارجی در سطح بین‌المللی برای ایران، فشار ناشی‌از ساخت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت ایالات متحدهٔ آمریکاست. ساخت چنین کنترلی را می‌توان به‌صورت شکل ۱-۳ نشان داد. در این ساخت، قدرت هژمونیک ایالات متحده در پی مهار ایران است و با استفاده از ابزارهای موازنهٔ قدرت و مداخله‌گری، در نیل به این هدف تلاش می‌کند. ایران نیز به‌شدت تحت‌تأثیر این

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

سیاست‌های کنترلی قرار گرفته و تهدیدهای ناشی‌از این فشارهای شدید، سیاست خارجی ایران را سخت تحت‌تأثیر قرار داده است؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران را باید متغیرهای سطح سیستمی دانست.

۱-۲-۲. فشارهای سیستمی منطقه‌ای

متغیرهای سیستمی ارتباط و پیوند نزدیکی با متغیرهای منطقه‌ای دارند؛ چراکه منطقه به‌عنوان سیستم تابع، بخشی از سیستم محسوب می‌شود و بین این دو، یعنی سیستم کلان و اجزای آن یعنی سیستم‌های تابع، در سطح فرایندها و ساختارها و درنتیجه تهدیدها و فرصت‌های موجود، ارتباط متقابلی برقرار است. ایران از بعد منطقه‌ای دارای جایگاه ژئوپلیتیک بسیار مهمی است؛ چراکه به‌صورت هم‌زمان با دو سیستم تابع منطقه‌ای خلیج‌فارس و شامات و همچنین سیستم تابع آسیای مرکزی و قفقاز در ارتباط است. در سیستم تابع خلیج فارس، زمینه‌ها به‌گونه‌ای است که پیوندی مستحکم بین سیستم بین‌المللی وکارگزار اصلی آن یعنی ایالات متحده و نظم منطقه‌ای آن فراهم می‌سازد که خود ممکن است سبب‌ساز شکل‌گیری تهدیدهای مختلفی باشد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۵۰).

۲- سیاست خارجی و مواضع ایران درقبال بحران سوریه

۱-۲. مدل سیاست خارجی ایران

بنا به آنچه گذشت، سیاست خارجی ایران تحت‌تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد و بر آن اساس شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه در چنین وضعی الگوی سیاست خارجی با تدبیر شکل می‌گیرد.

جدول۳- رابطهٔ بین محیط داخلی و خارجی دولت ایران و شکل‌گیری الگوی رفتاری در بحران سوریه

دولت محیط	سیاست خارجی کشور ایران
محیط داخلی	باثبات
محیط خارجی	بی‌ثبات
نتیجه	باتدبیر

منبع: نگارنده

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

در سیاست باتدبیر، انتظار آن است که رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل گیرد؛ یعنی آنکه در چنین موقعیتی، الگوی رفتاری مستقل شکل می‌گیرد و واحد دولت‌محیط به‌نحو رضایتمندانه تن به انطباق با محیط خارجی می‌دهد. درمورد ایران، دخالت متغیر «ارزش‌های ایدئولوژیکی» باعث می‌شود تا ایران اسلامی نظم موجود جهانی را قبول نداشته و به‌نحو رضایتمندانه با آن همسو نشود. درمورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌توان چنین ابراز نظر کرد که تعامل میان متغیر فشارهای محیط خارجی و متغیر فشارهای محیط داخلی و همچنین متغیر ارزش‌های ایدئولوژیکی باعث آن شده که سیاست، با تدبیر و الگوی رفتاری، مستقل باشد؛ ولی چون ارزش‌های محیط خارجی با ارزش‌های انقلاب اسلامی ناسازگار است، تن به انطباق با فشارهای محیط خارجی ندهد.

در چنین حالتی، به‌جای الگوی رفتاری انطباق رضایتمندانه، الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه شکل گرفته است که سازوکاری برای سازش بین منافع و اصول ازسویی و توان‌ها و محدودیت‌ها و آسیب‌پذیری‌ها ازسوی دیگر است. متغیر ارزش‌های ایدئولوژیکی باعث آن می‌شود که سیاست خارجی ایران معطوف به تغییر خارج و درنتیجه مخالفت با سیاست‌های هژمون باشد.

در نتیجه‌گیری کلی دربارهٔ دولت ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که این کشور در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با نوعی فشار ساختاری عمدهٔ محیط بین‌المللی و سیستمی روبه‌رو بوده است. تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ازطریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و نیز فشارهای ناشی‌از بافت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت آمریکا، به‌عنوان قدرت هژمون دربرابر ایران، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ایران منجر شده است.

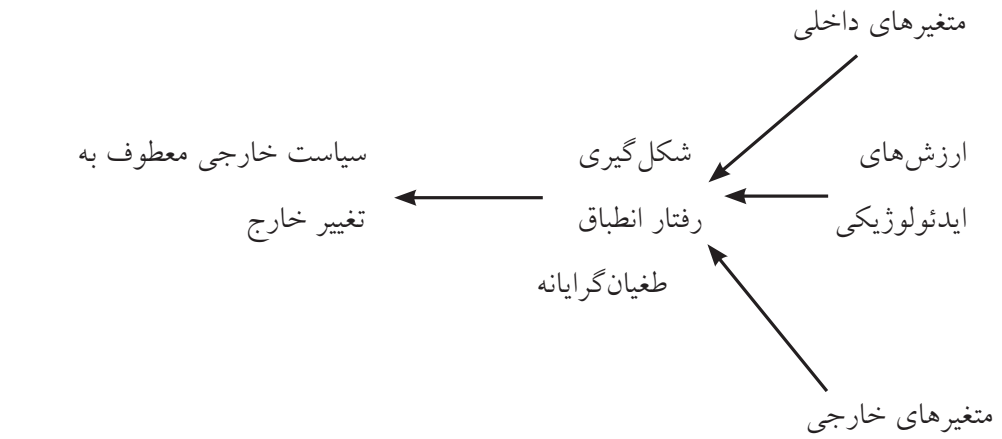
درمقابل، در محیط داخلی ایران در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل این دو محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود. در این حالت، در دولت ایران به‌سبب عدم‌تحمیل تقاضاهای داخلی، مقام‌های مربوط می‌توانند به‌صورت دقیقی نحوهٔ کنش خود را دربرابر فشارهای خارجی بررسی قرار دهند. براساس این مبانی نظری، نحوهٔ موضع‌گیری ایران دربرابر سوریه و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را به‌خوبی می‌توان بررسی کرد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

شکل ۲- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه در سیاست خارجی ایران



منبع: نگارنده

۲-۲. مواضع و دیدگاه‌های دولت ایران درقبال بحران سوریه

۲-۲-۱. ماهیت و کلیات روابط ایران و سوریه

مناسبات سی سال گذشتهٔ جمهوری اسلامی ایران و سوریه حکایت از رشد عمیق روابط سیاسی و امنیتی دو کشور مذکور دارد. تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، ویژگی رهبران دو کشور، دشمنان و دوستان مشترک منطقه‌ای و نیازهای داخلی دو کشور، موجبات نزدیکی هرچه‌بیشتر مناسبات ایران و سوریه را پدید آورده است (ایزدی و اکبری، ۱۳۸۹: ۲۹).

علاوه‌براین، تغییر رویکرد ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی از هم‌پیمانی با آمریکا و اسرائیل به تعارض با این دو کشور، برای سوریه خوشایند بود و این کشور به‌صورت طبیعی توانست در کنار ایران قرار گیرد. البته دیگر عامل مهم گرایش این دو کشور به یکدیگر وجود دشمن مشترک، یعنی رژیم بعثی عراق، بود. همان‌طورکه در سطور فوق اشاره شد، هم‌پیمانی ایران و سوریه طی سی سال گذشته ضرورت بود، نه انتخاب و این ضرورت پس از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر و افزایش فشار آمریکا به ایران و سوریه و مقاومت اسلامی، بیش از پیش احساس شد (همان: ٤٣تا٦٣).

۲-۲-۲. مواضع سیاسی و دیپلماتیک ایران

جمهوری اسلامی ایران از آغاز این بحران، دیدگاه خود را بر دو اصل استوار کرد: خودداری از جنگ و پذیرش آرای مردم با برگزاری انتخابات. نشست تهران که در آن بیش از دویست نفر از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی و طایفه‌ای سوریه شرکت کردند، بار

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

دیگر تأکید بر این دو اصل را برای حل بحران سوریه نشان داد. محور اصلی طرح ایران توقف خشونت و کشتار، برقراری آتش‌بس و آغاز گفت‌وگوی فراگیر ملی و فراهم‌ساختن زمینهٔ برگزاری انتخابات بود (افشار، ۱۳۹۱: ۳).

دیدگاه کلی ایران درخصوص بحران سوریه بر سه محور استوار است: توقف خشونت و کشتار سوریه، عدم مداخلهٔ سیاسی و نظامی بیگانگان و همچنین ضرورت اصلاحات داخلی؛ درواقع، خواستهٔ جمهوری اسلامی ایران تحقق امنیت و ثبات در منطقه و جلوگیری از خشونت‌ها و انجام اصلاحات قانونی است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۱). مسئلهٔ فلسطین نیز دراین‌میان مطرح است. وجود ایران و سوریه و لبنان در کنار هم و تداوم خط مقاومت باعث شده است تا اسرائیل نتواند زیاده‌خواهی‌های خود را گسترش دهد و خواسته‌های خود را به فراتر از وضع موجود ببرد؛ اگرچه تحولات سوریه تا اندازه‌ای بر این معادله تأثیر گذاشته است (روزنامهٔ النهار به‌نقل از: دیپلماسی ایرانی، ۱۹/۰۶/۱۳۹۱). به‌ویژه که کشورهای غربی نیز می‌کوشند در معادلات جدید دخالت کنند و این دخالت بی‌شک به‌نفع ایران صورت نخواهد گرفت. درمقابل، ایران در عرصهٔ منطقه‌ای تمام تلاش خود را به‌کار گرفته تا مانع تحقق اهداف غرب و سقوط نظام سوریه شود که این موضوع در سخنان مقامات بلندپایهٔ ایرانی مشهود است (حیدری، ۱۳۹۱: ۲).

جمهوری اسلامی ایران از ماه‌های نخستین وقوع بحران در سوریه و در ارزیابی رویدادهای داخلی این کشور، برآوردهای دووجهی خود را دربارهٔ این بحران ارائه کرد. برآورد دووجهی ایران از تحولات سوریه این بود که ملت سوریه در سایهٔ تحولات بزرگ اجتماعی و سیاسی در خاورمیانه و شمال آفریقا، مطالبات برحقی دارد که دولت این کشور باید بدان‌ها توجه کند و پاسخ درخور بدهد. این وجه اول ماجراست. وجه دوم بحران سوریه، مطابق ارزیابی‌های دقیق و همه‌جانبهٔ ایران از روند اوضاع خاورمیانه، این بود که ایالات متحدهٔ آمریکا طی کمتر از یک سال، دو متحد استراتژیک خود یعنی حکومت‌های مصر و تونس را که محور میانه به‌شمار می‌رفتند، به‌عقیدهٔ بسیاری از کارشناسان، با انقلاب اجتماعی از دست داد و اکنون قصد دارد ازطریق بحران‌سازی در محور مقاومت منطقه‌ای، یعنی سوریه، تاآنجاکه ممکن است فقدان دو متحد سنتی را جبران کرده و خطوط تماس با حوزهٔ امنیت رژیم صهیونیستی را همچنان آرام نگه دارد و محور مقاومت را در منطقه

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

تضعیف کند (موسوی، ۱۳۹۱: ۷). کودتای جدید را در مصر علیه مرسی و اسلام‌گرایان در این کشور (۲۰۱۳)، در همین راستا می‌شود ارزیابی کرد. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره تأکید کردند:

«هدف اصلی طراحی آمریکا در سوریه، ضربه‌زدن به خط مقاومت در منطقه است؛ زیرا سوریه از مقاومت فلسطین و مقاومت اسلامی لبنان حمایت می‌کند. سوریه امروز با توطئهٔ دشمنان منطقه‌ای و بین‌المللی روبه‌روست.

سیاست‌های راهبردی سوریه، توطئه‌های رژیم صهیونیستی را همواره با شکست روبه‌رو کرده و همچنین سوریه مانعی بر سر راه اجرای طرح‌های آمریکا در منطقهٔ خاورمیانه است. به‌همین علت امروز سوریه، هم ازسوی برخی کشورهای عربی به‌ویژه کشورهای حوزهٔ خلیج فارس و هم ازسوی برخی کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، با توطئه روبه‌روست» (سایت رسمی رهبری انقلاب سلامی ایران، ۱۱/۱۱/۱۳۹۰).

ازجمله دیگر اقدامات دیپلماتیک ایران درقبال بحران سوریه و فرایندهای جهانی آن، به واکنش دولتمردان به صدور قطعنامهٔ سازمان ملل نیز می‌توان اشاره کرد (روزنامهٔ کیهان، ۲۸/۰۲/۱۳۹۲: ۲).

درمجموع، ایران به‌عنوان مهم‌ترین حامی دولت سوریه و ثبات آن کشور، ملاحظات مختلفی در سیاست خود درقبال سوریه مدنظر دارد که شاید مهم‌ترین آن‌ها موضوع اسرائیل و محور مقاومت است. ازسوی دیگر، بحث نفوذ و قدرت ایران در منطقه و رقابت با کشورهای عربی و ترکیه از دیگر دلایل حمایت ایران از نظام سوریه است. ایران بر حفظ و برقراری آرامش در سوریه پافشاری می‌کند تا ضمن ایستادگی دربرابر اعراب، از شیعیان سوریه نیز حمایت کند. کلیت خود این مسئله، یعنی بحث شیعه و سنی، از دیگر دلایلی است که ایران را حامی نظام سوریه قرار می‌دهد (مؤسسهٔ اندیشه و عمل پویا، ۱۲/۰۶/۱۳۹۱).

پ- سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه درقبال بحران سوریه

۱- عوامل محیطی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

۱-۱. مؤلفه‌ها و عوامل داخلی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

عواملی نظیر ارتش، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری خصوصی و مالی و کارگری، مطبوعات و افکار عمومی نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست خارجی ترکیه دارند (دفتر

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸٦: ۲۲۷). علاوه‌براین، دیدگاهی کلاسیک این است که سیاست خارجی ترکیه تا حد بسیاری از جغرافیا و موقعیت استراتژیک آن متأثر است. علاوه‌بر جغرافیا، سیاست خارجی ترکیه از تاریخ و اقتصاد هم ناشی می‌شود. این متغیرها به‌طور کلی منابع و مجراهای سیاست خارجی ترکیهٔ مدرن بوده و سنت‌های رفتاری آن را خلق کرده‌اند (طاهایی، ۱۳۸۰: ۲۲۸).

اروپایی‌آسیایی بودن، ترکیه را ازنظر موقعیت ژئوپلیتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است. با فروپاشی اتحاد شوروی، بر این اهمیت افزوده شده است (دهی، ۱۳۸۵: ۱۳٤). جمهوری ترکیه کشوری است با نظام سیاسی لائیک که رسماً به‌صورت دموکراتیک اداره می‌شود و نهادهای مدنی و سیاسی و حقوقی آن با معیارها و هنجارهای غربی منطبق است (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۰).

پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل دولت ترکیه، نوعی هم‌خوانی و نزدیکی بین منافع ملی ترکیه با گرایش به غرب وجود داشت. اما پس از رشد اسلام‌گرایی در منطقهٔ خاورمیانه و افزایش فعالیت جنبش‌های اسلامی در حوزهٔ بازیگری ترکیه، این کشور با واقعیت‌های جدیدی روبه‌رو شد. بازیگران عرصهٔ سیاست خارجی ترکیه در این وضعیت جدید ژئوپلیتیکی به این نتیجه رسیدند که تأکید بر ایدئولوژی لائیسیته و غرب‌گرایی و نگاه تک‌بعدی به غرب، باعث ایجاد مانع بر سر راه اهداف سیاست خارجی این کشور شده است. بنابراین، این کشور هم‌زمان با اوج‌گیری جریانات اسلام‌گرایی، به‌سوی جبههٔ اسلامی تمایل نشان داد؛ به‌گونه‌ای که در سال‌های ۱۹۹۵، ۲۰۰۳، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ احزاب اسلام‌گرای ترکیه در انتخابات پارلمانی به پیروزی رسیدند. هماهنگی این گرایش ترکیه به اسلام سیاسی با اقتضائات ژئوپلیتیکی حوزهٔ بازیگری آن، بیانگر اهمیت منافع ملی در دیدگاه بازیگران ترک است (متقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۵۲).

نظام سیاسی ترکیه در عمل، نظامی مبتنی‌بر مشارکت توده‌ای مردم نبوده و احزاب همواره در این کشور، با وجود ضعف‌های فراوان، فعال بوده و قادر به پیشبرد مشارکت سازمان‌دهی‌شده بوده‌اند. با وجود این، در برخی موارد، به‌دلیل دخالت‌های نظامیان در سیاست، مشارکت مردم در قالب احزاب، به‌معنای واقعی به تأثیرگذاری آن‌ها در عرصهٔ سیاسی منجر نشده است. علاوه‌براین، تنوع قومیت‌ها و مسئلهٔ کردها نیز بر سیاست خارجی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

ترکیه مؤثر بوده است (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۱: ٤٢).

جدول ٤- ویژگی‌های محیطی دولت ترکیه و تأثیر آن بر سمت‌گیری سیاست خارجی و شکل‌گیری الگوهای رفتاری آنان

متغیرهای مربوط دولت	ویژگی‌های جمعیتی	ویژگی‌های جغرافیایی	ویژگی‌های ساختار اجتماعی	ویژگی‌های ساختار سیاسی	ویژگی‌های اقتصادی	نوع حکومت و ایدئولوژی سیاسی
ترکیه	اکثریت مسلمان حدود ۰۷میلیون نفر	مساحت ۰۸۷هزار و ۰۸۵ کیلومتر مربع- اهمیت ژئوپلیتیک به‌دلیل مرزهای آسیایی اروپایی و اتصال سه‌طرفه به دریا	اسلام‌گرایی ملی‌گرایی غرب‌گرایی	اهمیت پوپولیسم و مردم‌گرایی در ایدئولوژی کمالیسم در عرصهٔ عمل نقش اصلی در نظام سیاسی را نخبگان و نظامیان ایفا می‌کنند	اقتصاد سرمایه‌داری متکی بر اقتصاد بازار آزاد - تحولات صنعتی و تجاری روبه‌رشد	جمهوری ایدئولوژی لائیک
نتیجه	محیط داخلی باثبات و تا حدودی باقدرت					

منبع: نگارنده

با وجود اینکه نوع نظام سیاسی ترکیه جمهوری است و در پارلمان این کشور، جملهٔ «حاکمیت از آن ملت است» با خط درشت حک شده است، قانون اساسی ترکیه ارتش و نه مردم را حافظ نظام جمهوری می‌داند. درحالی‌که پوپولیسم و مردم‌گرایی در ایدئولوژی کمالیسم اهمیت خاصی دارد، در عرصهٔ عملی سیاست در ترکیه، همواره نخبگان بوده‌اند که همانند دوران امپراتوری عثمانی، نقش اصلی و محوری را در سیاست‌های داخلی و خارجی این کشور ایفا کرده‌اند (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

اقتصاد تا حدودی رو به توسعهٔ ترکیه نیز در جهت‌گیری سیاست خارجی آن بی‌تأثیر نبوده است. ترکیه کشوری است با سیستم اقتصاد سرمایه‌داری و متکی بر اقتصاد بازار آزاد. اگرچه در مقایسه با کشورهای پیشرفتهٔ جهان، ترکیه کشوری فقیر محسوب می‌شود، ارتقای مقام این کشور به مقام هفدهم در میان ٢٤ کشور پیشرفتهٔ جهان نشان‌دهندهٔ این

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

موضوع است که ترکیه راه خود را به‌سوی توسعهٔ صنعتی باز کرده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸٦: ۸۲).

۲-۱. مؤلفه‌ها و عوامل خارجی مؤثر بر سیاست خارجی ترکیه

به‌یقین، در این باره باید به نقش مؤثر کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا اشاره کرد. ترکیه همچنین به‌علت عضویت در ناتو و سعی این کشور برای عضویت کامل در اتحادیهٔ اروپا، ناچار شده است در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، به نظرها و خواسته‌های کشورهای غربی توجه کند. عوامل دیگری همچون حساسیت اروپا درخصوص حرکت کردهای ترکیه و نیز روابط اسرائیل و ترکیه باعث رویکردهای جدید در سیاست خارجی سنتی ترکیه شده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸٦: ۲۲۷).

۱-۲-۱. ساختار سیستمی نظام بین‌المللی

ترکیه در طول تاریخ جدید خود، هویتش را در رابطه با غرب و به‌خصوص اروپا تعریف کرده است و با ایالات متحده نیز روابطی نزدیک دارد. دربارهٔ روابط ترکیه با خاورمیانه، می‌توان گفت به‌رغم این واقعیت که قسمت زیادی از میراث فرهنگی ترکیه از این منطقه سرچشمه گرفته، این کشور به این منطقه توجه کمی کرده است (بزداغلی اوغلو و حمیدپور، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

در تحلیل کلان، درحال‌حاضر دموکراسی‌سازی و جهانی‌شدن و اسلام‌گرایی سه متغیر بین‌المللی تأثیرگذار بر سیاست خارجی ترکیه هستند. بحث دموکراسی‌سازی در پیوستن ترکیه به اتحادیهٔ اروپا و در ارتباط با حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) موضوعیت می‌یابد. بحث جهانی‌شدن نیز در تضعیف حاکمیت دولت و از مجرای تلاش درجهت اروپایی‌شدن، بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده است. اسلام‌گرایی نیز به‌عنوان روند کلان جهانی تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد داشته است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹٦). درمجموع، در نظام بین‌الملل جهانی‌شوندهٔ بعد از جنگ سرد و مخصوصاً در ابتدای هزارهٔ سوم، مسائل امنیتی مشترک بین‌المللی بر سیاست خارجی ترکیه تأثیرگذار بوده‌اند. ناسیونالیسم قومی، بیگانه‌هراسی، جدایی‌طلبی، بنیادگرایی و تروریسم بین‌الملل، تنها بخشی از مسائل امنیتی مشترک بین‌المللی هستند که بر سیاست

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

خارجی ترکیه تأثیر گذاشته‌اند.

پیامدهای تحولات اروپای شرقی، منازعات بالکان، به‌چالش‌کشیده‌شدن فلسفهٔ وجودی و هویت ناتو، تحولات قفقاز و آسیای مرکزی و خاورمیانه، حمله به عراق در سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳، از تأثیرات مهم نظام بین‌الملل در عملیاتی‌شدن هریک از دو جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه (غرب‌گرایی و منطقه‌گرایی) بوده است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۶تا۱۹۷).

۱-۲-۲. ساختار سیستمی منطقه‌ای

با عنایت به فلسفهٔ حکومتی بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست گرایش به غرب به‌عنوان اصل اول کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه درقبال منطقه را تحت‌تأثیر قرار داده بود؛ به‌گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقهٔ خاورمیانه را در درجهٔ دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار می‌داد. این وضعیت تا نیمهٔ دهه شصت ادامه یافت. از این زمان به‌بعد، ترکیه در منطقه با دو مسئلهٔ عمده مواجه شد که این کشور را وادار کرد در پایبندی به اصل کمالیسم تجدیدنظر کرده و در سیاست خارجی خود، به مسائل منطقه توجه بیشتری بکند: ۱. بروز مسئلهٔ قبرس و منازعهٔ یونان و ترکیه بر سر جزیرهٔ تیرس؛ ۲. بحران نفتی سال ۱۹۷۳ به‌عنوان شوک نفتی. از زمان شروع جنگ نفت (اشغال کویت توسط عراق) و سقوط شوروی در بلوک شرق، معادلات امنیتی به‌ضرر ترکیه تغییر یافت. در این زمان، ترکیه احساس کرد که باید سیاست سنتی مداخله‌نکردن در مناقشات منطقه‌ای را کنار بگذارد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶: ۲۲۸).

برای تحلیل دقیق‌تر سیاست منطقه‌ای ترکیه، باید به سه نگرش موجود در سیاست خارجی این کشور پس از جنگ جهانی دوم اشاره کرد: مرحلهٔ اول، پس از جنگ جهانی دوم، از دهۀ ۱۹۵۰ تا دهۀ ۱۹۹۰ که مبتنی‌بر مداخله‌نکردن در منازعات منطقه‌ای بود. در مرحلهٔ دوم، یعنی دهۀ ۱۹۹۰، در دورهٔ تورگوت اوزال، مرحلهٔ جدیدی در سیاست خارجی و خاورمیانه‌ای ترکیه ایجاد شد. در این مرحله، ترکیه عملاً می‌خواهد نقش جدیدی در خاورمیانه ایفا کند و این آغاز رشد ترکیه به‌مثابه بازیگر مهم در مناقشات خاورمیانه‌ای است. این نگرش تا سال ۲۰۰۳ بر سیاست خارجی ترکیه حاکم بود. مرحلهٔ سوم یا همان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

دورهٔ اردوغان، فصلی است که اردوغان در جایگاه بازیگر فعال منطقه‌ای به‌دنبال ایفای نقش و نشان‌دادن وزن سیاسی است (بصیری و موسوی، ۱۳۸۹: ٤٨تا٤٩).

۲. سیاست خارجی و مواضع دولت ترکیه درقبال بحران سوریه

۲-۱. مدل سیاست خارجی ترکیه درقبال بحران سوریه

بدین‌ترتیب، سیاست خارجی ترکیه تحت‌تأثیر دو گروه از متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد و بر آن اساس شکل می‌گیرد. مطابق با نظریه جیمز روزنا در چنین وضعی الگوی سیاست خارجی باتدبیر شکل می‌گیرد.

جدول ۵- رابطهٔ بین محیط داخلی و خارجی دولت ترکیه و شکل‌گیری الگوی رفتاری در بحران سوریه

دولت محیط	سیاست خارجی کشور ترکیه
محیط داخلی	باثبات
محیط خارجی	بی‌ثبات
نتیجه	باتدبیر

منبع: نگارنده

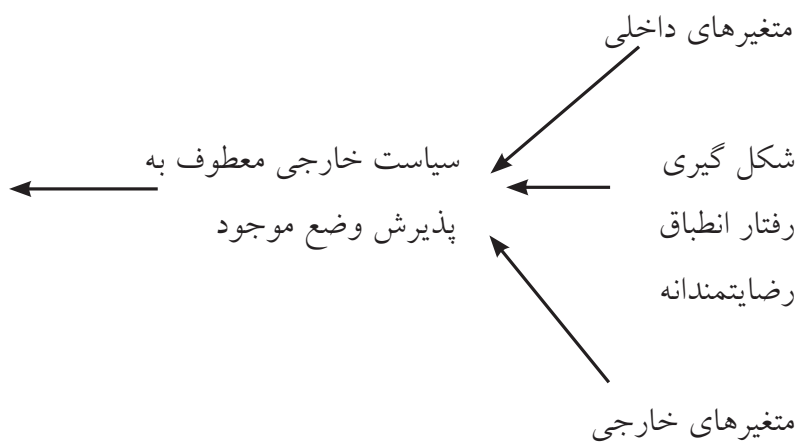
در کشور ترکیه، در این زمان فشار و محدودیت از جانب محیط داخل کم است و درمقابل، از جانب محیط خارج به‌دلیل گرایش این کشور به قدرت‌های برتر و همراهی با آن‌ها و تمایل برای الحاق و پذیرفته‌شدن توسط آن‌ها، فشار و محدودیت وجود دارد. به‌سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند نحوهٔ کنش دربرابر تغییرات خارجی را به‌صورت دقیقی بررسی کنند. درنتیجه، در اینجا چون تقاضاهای خارجی بیش از تقاضاهای داخلی اهمیت می‌یابد، خشنودانه تن به انطباق می‌دهد و سیاست خارجی باتدبیر نتیجه می‌شود. در سیاست باتدبیر، انتظار آن است که رفتار انطباقی رضایتمندانه شکل گیرد؛ یعنی آنکه در چنین موقعیتی، الگوی رفتاری مستقل شکل می‌گیرد و واحد دولت‌محیط به‌نحو رضایتمندانه تن به انطباق با محیط خارجی می‌دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

در نتیجه‌گیری کلی دربارهٔ دولت ترکیه، می‌توان گفت تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ازطریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و نیز فشارهای اروپا و آمریکا برای شرایط پذیرفته‌شدن این کشور در بین آن‌ها، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ترکیه منجر شده است. درمقابل در محیط داخلی ترکیه، در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود.

شکل ۳- مدل شکل‌گیری الگوی رفتاری انطباق طغیان‌گرایانه در سیاست خارجی ترکیه



منبع: نگارنده

گفتنی است که سیاست خارجی ترکیه تا قبل از روی‌کارآمدن حزب عدالت و توسعه به‌رهبری رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر این کشور، وابستگی شدیدی به غرب داشت و درقبال تحولات محیطی خود، به‌ویژه در حوزهٔ خاورمیانه و جهان اسلام، ابتکار عمل معناداری نداشت؛ اما بعد از سال ۲۰۰۳، رویکرد سیاست خارجی ترکیه چندجانبه‌گرایی را جانشین غرب‌گرایی محض کرد.

از سال ۲۰۱۱ که فضای انقلابی جهان عرب با ظهور بیداری اسلامی همراه شد، ورود ترکیه به معادلات سیاسی و امنیتی جهان عرب، بسیاری از آرایش‌ها و ترتیبات قدیمی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

سیاست و امنیت را در این منطقه به بازتعریف مجبور کرد. ترکیه در مواجهه با خیزش‌های مردمی در مصر و تونس، توانست سیاست نسبتاً مستقلی عرضه کند؛ اما درمورد لیبی، به‌دلیل اینکه ترک‌ها با اهداف امنیتی غرب مواجه شدند، درنهایت، ارائهٔ سیاست مستقل را متناسب با منافع خویش ندانستند و همسویی با سیاست‌های غرب را آغاز کردند. درعین‌حال، دولت ترکیه رویکرد سیاسی‌امنیتی خود را درقبال تحولات داخلی سوریه، همسو با آمریکا و مجموعهٔ غرب تنظیم کرد (فلاح، ۱۳۹۱).

۲-۲. مواضع و دیدگاه‌های دولت ترکیه درقبال بحران سوریه

۲-۲-۱. ماهیت و کلیت روابط ترکیه و سوریه

ترکیه و سوریه از گذشته تابه‌حال، در روابط دوجانبهٔ خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اند. در این میان، سه اختلاف اصلی همواره بر روابط این دو کشور سایه افکنده است: مسئلهٔ کردها و تقسیم منابع آبی مشترک و ادعای ارضی سوریه بر استان هاتای ترکیه.

هر دو کشور از موقعیت ژئواستراتژیکی بسیار مهمی در منطقه برخوردارند. طی دههٔ گذشته در چارچوب سیاست منطقه‌ای حزب عدالت و توسعه، فصل جدیدی از روابط، در ابعاد مختلف، میان دو کشور سوریه و ترکیه آغاز شد (اسکینگر، ۲۰۱۱) و روابط ترکیه و سوریه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه بهبود یافت و از وضعیت تنش‌زای سال‌های دههٔ ۱۹۹۰ به سطح شراکت راهبردی ارتقا پیدا کرد. حجم مبادلات بازرگانی دو کشور جهش چشمگیری داشت. مناسبات دو کشور در دو سال اخیر آن‌چنان توسعه یافته بود که برای اولین‌بار در تاریخ معاصر، ارتش سوریه در مانورهای نظامی ترکیه شرکت می‌کند. هر شش ماه یک بار، نشست کمیسیون عالی راهبردی میان دو کشور در سطح نخست‌وزیری برگزار می‌شد؛ ولی اکنون مناسبات دمشق و آنکارا در ابعاد مختلف دچار آسیب و تنزل شده است (فلاح، ۱۳۹۱: ۸) و شواهد حاکی‌از این است که ترکیه خواستار براندازی دولت سوریه است.

۲-۲-۲. مواضع سیاسی و دیپلماتیک ترکیه

با شروع تحرکات در سوریه، موضع ترکیه نیز به موضوعی پیچیده و متغیر تبدیل شده است. سیاست ترکیه در چرخش‌های متعدد، از میانجیگری و داوری به مهیاکردن امکانات

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

و مدیریت مخالفان تا لشکرکشی و تهدید به جنگ متمایل شده است. چندی بعد از شروع حوادث سوریه، رهبران ترکیه طرفین را به خویشتن‌داری و مماشات دعوت می‌کردند و همچنان بشار اسد را به‌رسمیت می‌شناختند؛ اما با گذشت زمان، ترک‌ها عزم خود را برای سرنگونی اسد جزم کردند و در این مسیر، از هیچ اقدامی حتی تهدید به حملهٔ نظامی فروگذار نکردند (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۷).

رهبران ترکیه با درنظرگرفتن سیاست نوعثمانی‌گری، به طرح‌ریزی سیاست‌ها و عملکرد خود در منطقه پرداخته‌اند. در این مرحله، رهبران ترکیه به فاز دوم این سیاست گام گذاشته یا به‌عبارتی دیگر، بعد از صفرکردن مشکلات با همسایگان به‌عنوان فاز اول طرح، نوبت خیز ترکیه به‌عنوان بازیگر قدرتمند و اول منطقه‌ای می‌رسد و درحال‌حاضر، راه آن از دمشق می‌گذرد.

همان‌گونه که اردوغان گفته، سوریه دروازهٔ ترکیه به خاورمیانهٔ عربی است. درواقع، تنها مسیری که ترکیه درحال‌حاضر به آن امیدوار است تا بتواند از راه تغییر در آن، موقعیت منطقه‌ای خود را بهبود بخشد، سوریه است. به‌عبارت‌دیگر، می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل بازی‌های اخیر ترکیه، خلاص‌شدن از تنگنای شدید جغرافیایی است. تنگنای جغرافیایی ترکیه را می‌توان این‌گونه توضیح داد که ترکیه به‌خلاف ایران و روسیه و مصر، در منطقه‌ای خاص واقع نشده است که بتواند هویت آن منطقه را به خود بگیرد؛ بنابراین، سیاست خارجی خود را باید بر همین اساس پایه‌ریزی کند. ترکیه با اروپا، خاورمیانه، قفقاز و بالکان همسایه است؛ اما جزو هیچ‌یک از آن‌ها نیست و درعین‌حال، به‌دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خود، ناگزیر از تعامل با آن‌هاست (قهرمان‌پور: ۱۳۸۸). در این میان، روابط نزدیک حزب عدالت و توسعهٔ ترکیه را با اخوان‌المسلمین سوریه که مهم‌ترین بخش اپوزیسیون این کشورند نیز باید در نظر داشت. درواقع، ازنظر بسیاری از ناظران، باتوجه‌به نفوذ ترکیه بر بسیاری از جریانات اپوزیسیون سوری، بحران اخیر در سوریه ممکن است زمینهٔ افزایش نفوذ ترکیه را در این منطقه فراهم آورد (نیاکوئی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۲۸).

با آغاز درگیری‌ها در سوریه، دولت ترکیه به‌سرعت به مخالفت با نظام حاکم سوریه برخاست؛ اقدامات ضد نظام سوریه به همین‌جا ختم نشد و ترکیه برای مخالفان نظام سوریه، در خاک خود اردوگاه نظامی ایجاد کرد و حتی کنفرانس‌های مخالفان را در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

استانبول برگزار کرد (روزنامۀ جمهوری اسلامی، ۱۸/۱۰/۱۳۹۱).

از دیگر اقدامات دولت ترکیه برقراری ارتباط با گروه‌های معترض سوری، به‌ویژه اخوان‌المسلمین، است. بهترین دلیل برای همکاری ترکیه و اخوان‌المسلمین سوریه، برگزاری چهار کنفرانس برای مخالفان نظام سوریه در شهرهای ترکیه است که بیشتر آن‌ها را هم اسلام‌گرایان تشکیل داده‌اند. ازجهتی، دولتمردان ترکیه با ارزیابی روند تحولات جاری و اوضاع داخلی کشور سوریه در چارچوب وضع حاکم بر منطقه، این اوضاع را به‌نوعی همجنس و همگام با سایر خیزش‌های منطقه می‌دانند که دیر یا زود با تضعیف مشروعیت نظام حاکم و افزایش فشارهای بین‌المللی، به تغییر نظام سیاسی سوریه خواهد انجامید. در این راستا، ترکیه می‌خواهد با پیشی‌گرفتن بر رقبای خود، به‌خصوص ایران، در نبرد بر سر منافع، پیروز نهایی میدان شود (بیات، ۱۳۹۰: ۱۷۳).

به‌همین دلیل، ترکیه هم‌زمان درصدد تضعیف سوریه و نیز تغییر زبان مقاومت با ارائۀ الگویی ترکیه‌ای است. به‌زبان دیگر، ایجاد شکاف در مثلث سوریه و ایران و جریان مقاومت، در دستور کار قرار گرفت و حضور قدرتی مانند ناتو در پشت ترکیه، باعث شد این کشور جسورانه‌تر عمل کند. به‌نظر می‌رسد ترکیه جدا از بلندپروازی‌های منطقه‌ای خود در خاورمیانه، تلاش می‌کند اهداف غرب را نیز در منطقه پیاده کند تا ضمن ارتقای جایگاه راهبردی خود، به کانون و محور تعقیب منافع و دغدغه‌های راهبردی هم‌پیمانان خود تبدیل شود (شریعتی، ۱۳۹۱). هدف اصلی از اجرای دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه درقبال موضوع سوریه را می‌توان برکناری اسد از قدرت دانست؛ سیاستی که از حمایت اتحادیۀ اروپا و ایالات متحده و اتحادیۀ عرب نیز برخوردار است (بهرامی، ۱۳۹۰).

علاوه‌بر این‌ها، دولت ترکیه طرحی نیز برای حل‌وفصل بحران سوریه در دست داشت. طرح مذکور مقدمه‌ای برای آغاز کنفرانس «ژنو ۲» درخصوص سوریه بود. روزنامۀ صباح نوشت: طرح پیشنهادی ترکیه شامل واگذاری تمام اختیارات بشار اسد، رئیس‌جمهوری سوریه، به دولت انتقالی و درمقابل، باقی‌ماندن وی در سوریه و مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی است... احتمالاً اردوغان طی سفرهایش به روسیه و ایران و برخی کشورهای عربی، این طرح را بررسی خواهد کرد (روزنامۀ صباح ترکیه، به‌گزارش سایت پیام آفتاب، ۲/۳/۱۳۹۲).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

۲-۲-۳. مواضع مالی و نظامی ترکیه

ترکیه در بحران اخیر سوریه نیز تلاش می‌کند به‌عنوان میانجی عمل کند و این رویکرد با هدف کاهش دامنه‌های بحران در مرزهای ترکیه و نیز با هدف ارتقای منافع منطقه‌ای و جهانی این کشور اجرا شده است. ترک‌ها با بازکردن مرز خود با سوریه، هزاران پناهندهٔ سوری را که دراثر حملات ارتش سوریه به شهرهای شمالی سوریه، از بیم جانشان به ترکیه گریخته‌اند، اسکان داد تا با این کار، علاوه‌بر گرفتن ژستی انسان‌دوستانه و حقوق‌بشری، از این مسئله به‌مثابه اهرمی مؤثر در بحران سوریه استفاده کند.

احمد داود اوغلو پس از بازگشت از نشست دوستان سوریه در تونس، با بیان اینکه رفتار ترکیه درقبال سوریه همچون رفتار این کشور در جنگ عراق نیست، اظهار داشت گزینهٔ نظامی درمورد سوریه روی میز است و ترکیه در موضوع سوریه کنار این میز قرار دارد. سخنان اخیر اوغلو پس از برگزاری نشست دوستان سوریه در تونس، نشان از توافق ترکیه با قدرت‌های فرامنطقه‌ای ازجمله ایالات متحده درقبال بحران سوریه دارد (بهرامی، ۱۳۹۰).

در پی ناکامی سناریوی غرب در سازمان ملل متحد و نگرفتن مجوز حمله به کشور سوریه از این طریق، ناتو و به‌ویژه ترکیه در مرکز توجه قرار گرفته‌اند و به‌احتمال قوی، با این حربه، اقدامات بعدی علیه سوریه را طرح‌ریزی خواهند کرد. رفتار ترکیه در رابطه با تحولات سوریه، منافع این کشور را با همسایگان قدرتمند خود مثل روسیه و ایران در تعارض قرار داده است و درصورت پافشاری ترکیه بر سیاست‌های خود درقبال سوریه، این کشور با همسایگان خود، روسیه و ارمنستان و عراق و ایران، دچار مشکل می‌شود و نتایج ده‌سالهٔ سیاست خارجی ترکیه درقبال همسایگانش به خطر خواهد افتاد (دهقانی، ۱۳۹۰).

درواقع، ترکیه برخلاف خواسته و انتظار مردم سوریه و اظهارات مسئولان آن که ازطریق آن تلاش می‌کند خود را حامی منافع و حقوق ملت سوریه نشان دهد، از جنگ اقتصادی اتحادیهٔ عرب علیه مردم سوریه استقبال کرد (باشگاه اندیشه، ۱۳۹۱).

از آغاز بحران سوریه، مرزهای ترکیه به مقر اصلی معارضان سیاسی و نظامی سوری تبدیل شده بود و ترکیه در نظر داشت از معارضان سوری به‌عنوان برگ برندهٔ خود در

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

کشمکش با همسایهٔ جنوبی خود استفاده کند. اما با طول‌کشیدن بحران و تعبیرنشدن رؤیای سران ترکیه و دیگر زمامداران ائتلاف ضدسوری، معارضان و آوارگان سوریه به باری سنگین بر دوش دولت آنکارا تبدیل شدند. به‌همین دلیل، جابه‌جایی جغرافیایی فوق با هدف انتقال بخشی از وظایف امدادرسانی نظامی به معارضان، از ترکیه به لبنان صورت گرفت؛ اگرچه هزینه‌های حضور مخالفان سیاسی سوریه که عمدتاً در استانبول مستقر شده‌اند، همچنان بر دوش زمامداران آنکارا سنگینی می‌کند (ترحمی، ۱۳۹۱: ۲۱).

درمجموع، نقش‌آفرینی دولت اردوغان در قاچاق سلاح به سوریه، حمایت تمام‌عیار از تروریست‌های سوری، بمباران ارتش سوریه، بحران هواپیما با مسکو، جدال‌های محکم لفظی با عراق و مسائل عدیده‌ای ازاین‌قبیل، نشان‌دهندهٔ فعالیت‌های مالی و نظامی ترکیه در بحران سوریه برای مخالفان سوریه است و همچنین، سبب شده است که حکومت ترکیه تحت رهبری حزب عدالت و توسعه، به سیبل کشورهای منطقه تبدیل شود (روزنامهٔ جمهوری اسلامی، ۱۸/۱۰/۱۳۹۱).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

نتیجه‌گیری

سؤال اصلی این مقاله آن است که سیاست خارجی و مواضع دولت ایران و دولت ترکیه دربارۀ بحران سوریه چیست؟ دربارۀ دولت ترکیه، می‌توان به این نتیجه رسید که تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی، تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم ازطریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و نیز فشارهای اروپا و آمریکا برای پذیرفته‌شدن این کشور در بین آن‌ها، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ترکیه منجر شده است.

درمقابل، در محیط داخلی ترکیه در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود. الگوی باتدبیر ماحصل پاسخ به حالتی است که تغییرات داخلی کم است و درمقابل، تغییرات خارجی بسیار گسترده است و به‌سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی بر حکومت، مقام‌های مربوط می‌توانند نحوۀ کنش دربرابر تغییرات خارجی را به‌صورت دقیقی بررسی کنند.

رفتار منطبق با الگوی باتدبیر در سیاست خارجی، رفتار انطباق رضایتمندانه با هژمون‌های قدرت است؛ چراکه در چنین موقعیتی، چون واحد با خطر داخلی مواجه نیست، خشنودانه تن به انطباق با سیاست‌های هژمون‌های قدرت می‌دهد.

در مورد ترکیه نیز سیاست خارجی این کشور را در همین راستا می‌شود ارزیابی کرد. در تحلیل نهایی، سیاست خارجی ترکیه با سیاست خارجی آمریکا و غرب دربارۀ سوریه همسوست. منافع ترکیه ایجاب می‌کند که دولت اسد که روابط استراتژیکی با ایران دارد سقوط کند و دولت همسو با سیاست‌های ترکیه در سوریه سر کار آید. سیاست دولت‌های اروپایی و آمریکا نیز همین است. آنچه باعث تعلل غرب برای نیل به این هدف شده است، ورود عامل اسلام سلفی‌گرای افراطی موسوم به داعش است. ترکیه نیز با بازی با کارت داعش در پی رسیدن به منافع منطقه‌ای خود است.

دربارۀ دولت ایران نیز می‌توان گفت این کشور در محیط عملیاتی سیاست خارجی خود با نوعی فشار ساختاری عمده ازجانب محیط بین‌المللی و سیستمی روبه‌رو بوده است. تهدیدهای سیستمی مختلف، کنش‌های تخاصمی و تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

طریق واحدهای هم‌جوار منطقه‌ای یا جهانی و و نیز فشارهای ناشی‌از بافت کنترلی موجود در سیستم بین‌الملل به محوریت آمریکا، به‌عنوان قدرت هژمون، دربرابر ایران، همگی به‌نوعی به فشار ساختاری و بی‌ثباتی در محیط خارجی ایران منجر شده است.

درمقابل، در محیط داخلی ایران در این برهه فشار خاصی وجود نداشته و نوعی ثبات نسبی استراتژیک احساس می‌شده است. در تعامل و کنش متقابل این دو محیط داخلی باثبات و محیط خارجی بی‌ثبات، نوعی محیط باتدبیر نتیجه می‌شود. در این حالت نیز به‌مانند حالت دولت ترکیه، به‌سبب تحمیل‌نشدن تقاضاهای داخلی، مقام‌های مربوط می‌توانند نحوهٔ کنش خود را در برابر فشارهای خارجی، به‌صورت دقیقی بررسی کنند. براساس این مبانی نظری، نحوهٔ موضع‌گیری ایران درقبال سوریه و ابعاد و جنبه‌های مختلف آن را به‌خوبی می‌توان بررسی کرد. تفاوت دولت ایران و دولت ترکیه در این زمینه در نوع رفتار آن‌هاست. رفتار دولت ایران برخلاف ترکیه، نوعی رفتار طغیان‌گرایانه با اهداف و سیاست خارجی هژمون‌های قدرت است؛ چراکه عامل ایدئولوژی و اهداف ارزشی در سیاست خارجی ایران دخالت کرده و باعث انحراف رفتاری ایران از الگوی مدنظر روزنا می‌شود.

تضاد اصلی ایران با ترکیه در بحران سوریه، بر حفظ منافع ژئوپلیتیک ایران و ترکیه استوار است. سیاست منطقه‌ای ایران متمرکز بر تقویت اتحادها و ائتلاف‌ها با گروه‌ها و دولت‌های دوست در منطقه است. خروج ترکیه از موضع سنتی حزب عدالت و توسعه، یعنی تمرکز بر نقش میانجیگرانه یا به‌صفررساندن مشکلات با همسایگان و اتخاذ موضع جانب‌دارانه در بحران سوریه، درست درمقابل سیاست منطقه‌ای ایران، یعنی حفظ توازن قوای فعلی است. از نگاهی واقع‌گرایانه، آیندهٔ آرایش سیاسی حکومت سوریه، همانند اهمیت آن برای بازیگران رقیب، برای ایران ازلحاظ حفظ و تقویت نقش منطقه‌ای، موازنهٔ قدرت و تقویت جریان مقاومت بسیار مهم است.

مرز تضاد ژئوپلیتیک در روابط ایران و ترکیه، در بحران سوریه، دخالت نظامی ترکیه یا غرب است. البته ترکیه به‌رغم سیاست‌های شعاری و سمبولیک، همچنان توانایی لازم برای اقناع افکار عمومی خود برای دخالت نظامی در سوریه را ندارد. بدون دخالت نظامی ترکیه هم احتمال حملهٔ نظامی‌ناتو به سوریه، به‌خصوص باتوجه‌به قدرت‌گرفتن داعش، کم است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

سیاست خارجی و عملکرد رفتاری دولت ایران، هم ریشه‌های مذهبی دارد و هم ناشی‌از آرمان‌گرایی سنتی ایرانی‌هاست و هم بازخورد عملکرد قدرت‌های بزرگ است. روابط منطقه‌ای در خاورمیانه نیز بر آن تأثیر می‌گذارد. مجموع این عوامل داخلی و خارجی دولت ایران را به این برآورد می‌رساند که برای حفظ موقعیت منطقه‌ای و برقراری توازن قوا به‌نفع منافع ملی ازسویی و نیز درجهت حمایت از محور مقاومت و ایدئولوژی اسلامی تعریف‌شده برای نظام ازسوی دیگر، حمایت‌های همه‌جانبهٔ خود از دولت سوریه را اعلام کند. درمقابل، مواضع اردوغان در ترکیه این دولت را بر آن داشته است تا با قدرت تمام درصدد براندازی دولت دمشق ازطریق حمایت‌های گستردهٔ سیاسی، نظامی، تسلیحاتی و... از نیروهای معارض داخلی و تروریست‌های سوری باشد. درواقع، سیاست خارجی ترکیه باتکیه‌بر ایدئولوژی عثمانی‌گری، به‌دنبال احیای شکوه باستان خود در دوران امپراتوری عثمانی ازطریق دروازهٔ دمشق است. ترکیه در پی آن است تا در بحران سوریه نقش‌آفرینی کند و از این بحران، به‌مثابه فرصتی برای تقویت اعتبار و نقش منطقه‌ای خود استفاده کرده، حمایت دنیای غرب را به‌دست آورد و درنهایت، قدرت برتر و مسلط منطقه‌ای در خاورمیانه و بازیگری در محیط بین‌المللی شناخته شود.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]

کتابنامه

ایزدی، جهانبخش و حمیدرضا اکبری (۱۳۸۹)، «برآورد دهۀ سوم مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه؛ هم‌گرایی بیشتر یا گسست»، فصلنامۀ ره‌نامۀ سیاست‌گذاری، سال اول، ش۲، زمستان ۱۳۸۹، ص۲۷تا٦۱.

بزداغلی اوغلو، یوچل و اعظم حمیدپور (۱۳۸۷)، «نوگرایی، هویت و سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامۀ مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال نهم، ش۳٦، ص۱۱۹تا۱۳۹.

بصیری، محمدعلی و سید فاضل موسوی (۱۳۸۹)، «نقش و تأثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیۀ اروپا»، فصلنامۀ تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش۵، بهار، ص٤٥تا٨٤.

بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه»، فصلنامۀ ره‌نامۀ سیاست‌گذاری، سال دوم، ش۲، ص۱٦۱تا۱۷۸.

ترحمی، مهدی (۱۳۹۱)، «الگوی مفهومی بحران سوریه، تحلیل و مدیریت آن»، موسسۀ اندیشه و عمل پویا، ۲٦ شهریور ۱۳۹۱.

چگینی‌زاده، غلامعلی و بهزاد خوش‌اندام (۱۳۸۹)، «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامۀ راهبرد، سال نوزدهم، ش۵۵، ص۱۸۹تا۲۲۰.

خلیلی، محسن و دیگران (۱۳۹۱)، پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (نمونه‌پژوهی: ترکیه و ایران)، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، ش۱۱، ص۳۹تا٥٦.

دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، (۱۳۸٦)، جمهوری ترکیه، تهران: وزارت امور خارجه، موسسۀ چاپ و انتشارات.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، «منابع ملی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مجلۀ سیاست، ش۱۱، ص۲۲۱تا۲٤٦.

دهی، امیر (۱۳۸٥)، «سرزمین‌های جهان اسلام: جمهوری ترکیه، حدود جغرافیایی»، اندیشۀ تقریب، ش٦، ص۳۲تا٥٦.

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۱)، «بررسی سیاست خارجی دولت‌های انقلابی جدید در منطقۀ خاورمیانه و شمال آفریقا، براساس مدل پیوستگی جیمز روزنا»، فصلنامۀ راهبرد، سال بیست‌ویکم، ش٦۳، ص۹۳تا۱۱۱.

رینولدز، فیلیپ (۱۳۸۰)، شناخت اصول روابط بین‌الملل، ترجمۀ جمشید زنگنه، تهران: وزارت امور خارجه.

صفوی همامی، سیدحمزه، (۱۳۸۷)، کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چ۱، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).

طاهایی، سیدجواد (۱۳۸۰)، «کمالیسم؛ عناصر بحران در سیاست خارجی ترکیه»، فصلنامۀ راهبرد، ش۲۱.

علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۳)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

امور خارجه.
قاسمی، فرهاد (۱۳۸۱)، «طرح مفهومی مطالعهٔ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامهٔ مطالعات خاورمیانه. سال نهم، ش٤، ص۳۵تا۵۸.
_____ (۱۳۸٦)، دیپلماسی و روابط بین‌الملل، چ۱، تهران: میزان.
_____ (۱۳۸۹)، «مدل ژئوپلیتیکی امنیت منطقه‌ای؛ مطالعهٔ موردی خاورمیانه»، فصلنامهٔ ژئوپلیتیک، سال ششم، ش۲، ص۵۷تا۹٤.
قاسمی، فرهاد و سیدجواد صالحی (۱۳۸۷)، نگرشی تئوریک بر خلیج فارس و مسائل آن، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
متقی، افشین و دیگران (۱۳۹۲)، جغرافیا (فصلنامه علمی‌پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دورهٔ جدید، سال یازدهم، ش۳٦، ص۲۵۱تا۲۷۱.
مشیرزاده، حمیرا و احسان مصباح (۱۳۹۰)، «موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامهٔ روابط خارجی، سال سوم، ش۱، ص۲٤۷تا۲۷۰.
مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۸)، «تحول در روندهای سیاست خارجی ایران»، فصلنامهٔ رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش۱۷، ص۱۰۱تا۱۳۱.
مؤسسهٔ اندیشه و عمل پویا (۱۳۹۱)، «کالبدشکافی تحولات سوریه و موضع بازیگران خارجی درقبال آن»، کارگروه سیاست خارجی، ۱۲ شهریور ۱۳۹۱.
موسوی، سیدحسین (۱۳۹۱)، «افق‌های راه‌حل مسالمت‌آمیز بحران سوریه»، پژوهشکدهٔ مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۸ مهر ۱۳۹۱.
نیاکوئی، سیدامیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامهٔ روابط خارجی، سال چهارم، ش٤، ص۹۷تا۱۳۵.
هالستی، کی جی (۱۳۷۳)، مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمهٔ بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری، چ۵، تهران: وزارت امور خارجه، موسسهٔ چاپ و انتشارات.
افشار، اسدالله (۱۳۹۱)، «بحران سوریه و راهکار آن»، خبرگزاری تابناک، ۲۳/۰۹/۱۳۹۱.
برزگر، کیهان (۱۳۹۰)، « نقش ایران و ترکیه در حل بحران سوریه»، سایت خبری دیپلماسی ایرانی، ۰۸/۰۹/۱۳۹۰.
بهرامی، محمد (۱۳۹۰)، «ترکیه و سیاست تغییر رژیم در سوریه»، خبرگزاری بین‌المللی کردپرس، ۱۲/۱۲/ ۱۳۹۰.
باشگاه اندیشه، «مواضع ترکیه علیه سوریه و واکنش روس‌ها»، ۲۹ آذر ۱۳۹۱، دسترسی در:
www.bashgah.net
حیدری، علی (۱۳۹۱)، «بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه»، خبرگزاری فارس، ۱٤ مرداد ۱۳۹۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]
[DOI: 10.20286/priw-040375]

فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، «اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه»، سایت بصیرت، ۲۷/۰۲/۱۳۹۱.

دهقانی، محمد (۱۳۹۰)، «بازخوانی سیاست ترکیه درقبال سوریه»، سایت بصیرت، ۰۷/۱۲/۱۳۹۰.

شریعتی، یاسین (۱۳۹۱)، «بررسی نقش ترکیه در معادلات منطقه»، خبرگزاری بین‌المللی کردپرس، ۲۵/۰۹/۱۳۹۱.

مرجانی‌نژاد، احمد (۱۳۹۰)، « عوامل تأثیرگذار در جامعهٔ ترکیه»، اسلام‌تایمز، ۳۰ فروردین ۱۳۹۰، دسترسی در: http://www.islamtimes.org/vdcjytem.uqemizsffu.html.

خبرگزاری مهر (۱۳۹۱)، «موضع سه‌گانهٔ ایران درقبال سوریه»، ۲۰/۰۱/۱۳۹۱، دسترسی در: www. Mehrnews.com.

روزنامهٔ جمهوری اسلامی (۱۳۹۱)، «اشتباه راهبردی سیاست خارجی ترکیه درقبال تحولات سوریه»، ۱۸/۱۰/۱۳۹۱.

روزنامهٔ کیهان (۱۳۹۲)، «سکوت درمقابل تجاوز آشکار رژیم صهیونیستی به دمشق مضحک است؛ واکنش ایران به قطعنامهٔ سازمان ملل علیه سوریه»، ش ۲۰۴۹۵، ۲۸/۰۲/۱۳۹۲، ص۲.

سایت رسمی رهبری انقلاب اسلامی ایران (۱۳۹۰)، «دیدار دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین با رهبر انقلاب»، ۱۱/۱۱/۱۳۹۰: Khamenei.ir.

قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۸)، اندیشه‌های داود اوغلو، معمار سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، مرکز پژوهش علمی و مطالعاتی استراتژیکی خاورمیانه.
http://www.asnoor.ir/Pubilc/ Articles. ViewArticles.aspx?Code:183083

Schenker, D. (2011). Syria and Turkey: Walking Arm in Arm, down the same road? Available in htpp:// www. Brandeis.edu.

Rosenau, James. (1971). The Scientific Study of Foreign Policy. New York. The Free Press.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-04]

[DOI: 10.20286/priw-040375]